

مرکز تخصصی مهدویت

حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - ترویجی

سال یازدهم، شماره ۳۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۰

پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی، با تأکید بر روایات اسلامی

علیرضا رجالی تهرانی*

چکیده

از روایات استفاده می‌شود که در عصر طلایی ظهور حضرت حجت علیه السلام، پیشرفت همه جانبه‌ای در عرصه‌های مختلف خصوصاً در عرصه اقتصاد صورت می‌پذیرد؛ به طوری که چنان پیشرفت سریع و عادلانه‌ای در هیچ زمانی نظیر نداشته است. از سوی دیگر مشکلات اقتصادی جامعه بشری در سطح کلان حل خواهد شد؛ رفاه و آسایش پدید خواهد آمد و عوامل سلطه بر فکر و فرهنگ و اقتصاد از بین خواهند رفت، و با زدودن فقر و تهیدستی، زمینه رشد و تکامل مادی و معنوی انسان‌ها فراهم خواهد شد. در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام، از یک طرف با اجرای احکام و استقرار نظام عدالت و برابری، و نابودی ظلم و تبعیض و بی‌عدالتی، زمین برکات، منابع و ذخایر خود را بدون هیچ‌گونه امساک‌ی عرضه خواهد کرد؛ و از طرف دیگر با پیشرفت علوم و فنون، کشاورزی و دامداری نیز رونق گرفته، محصولات مردم چندین برابر خواهد شد. با پیشرفت علم و دانش، تمام منابع و ذخایر روزمینی و زیرزمینی، شناسایی و کشف شده، همه دست به دست هم خواهند داد و در جهت تأمین رفاه و آسایش انسان، توأم با رشد معنویت و اجرای عدالت، در آن عصر طلایی و رؤیایی، بسیج و استخدام خواهند شد. کلید واژه‌ها: پیشرفت، توسعه، پیشرفت اقتصادی، اقتصاد اسلامی، حکومت مهدوی.

*. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

مقدمه

آیا پیشرفت همه جانبه اقتصادی در دوران پربار حکومت مهدوی تحقق خواهد یافت؟ اگر چنین است، آیا آن پیشرفت‌ها به سبب امدادهای الهی صورت می‌پذیرد، یا توسط امام زمان علیه السلام و برنامه‌های اقتصادی دولت کریمه آن حضرت به ثمر می‌نشیند؟

تردیدی نیست که مترقی‌ترین جامعه بشری از آغاز خلقت تا پایان دنیا، جامعه مهدوی است؛ چرا که عصر ظهور امام زمان علیه السلام و حکومت مهدوی، از ابعاد برجسته‌ای برخوردار است که یکی از آنها بعد اقتصادی آن است. این موضوع در موفقیت و گسترش سریع قیام و نیز اقبال عمومی به سوی حکومت عدل گستر آن حضرت، نقش بسزایی دارد.

نظام ارزشی اسلام، خوشبختی دنیا و آخرت انسان را به طور همزمان مورد توجه قرار داده و دنیا را مزرعه آخرت معرفی کرده است. بر این مبنا، هر رفتار اقتصادی مفید که در حوزه ارزش‌های اسلامی مجاز باشد، مطلوب و شایسته است.

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین عوامل اطاعت از یک حکومت مشروع را تأمین معیشت و ساماندهی اقتصادی آن‌ها معرفی می‌کند. در سوره قریش، آیات ۳ و ۴ آمده است:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

پس باید پروردگار این خانه [کعبه] را بپرستند. آن [خدایی] که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد، و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

پس همه نهضت‌ها، انقلاب‌ها و حکومت‌ها - خصوصاً یک حکومت الهی - هم برای گسترش یافتن، و هم برای باقی ماندن و تحکیم موقعیت خود، نیازمند تکثیر ثروت‌های، درآمدی مناسب و نیز هزینه بجا و توزیع عادلانه آن‌ها هستند. نیز تردیدی نیست که حفظ دین و فرهنگ دینی و دیگر مظاهر و شؤون دین، همچنین گسترش و تبلیغ آن، نیازمند قدرت مالی و اقتصادی است.

فراهم آوردن رفاه و آسایش و ایجاد شرایطی که در آن، احاد جامعه جهانی - به‌ویژه مسلمانان - از نظر معیشتی در وضعیت خوبی باشند و اضطراب و نگرانی از این ناحیه احساس نکنند، در سرلوحه برنامه‌های کاری حکومت حضرت مهدی علیه السلام قرار دارد؛ لذا پرداختن به این

مطلب که از جمله برنامه‌های قطعی و نتیجه‌بخش آن حضرت، ایجاد پیشرفت همه جانبه و گسترده اقتصادی است و این که وضعیت زندگی و اقتصاد مردم از رونق بی‌نظیری برخوردار خواهد شد، اهمیت بسیاری دارد.

حضرت با توزیع عادلانه بیت المال و درآمدها و نظارت دقیق به دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی حکومت، زمینه لازم برای رفاه و آسایش همگانی را فراهم خواهند کرد؛ به گونه‌ای که ساکنان آسمان‌ها و زمین، از شرایط به وجود آمده، راضی و خشنود خواهند شد. موضوع پیشرفت و رونق علم، اقتصاد و کشاورزی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام از موضوعاتی است که از دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان وعده داده شده است. در این باره نیز تاکنون مقالات و تحقیقاتی صورت گرفته است که هر یک از آن‌ها به نوبه خود در تبیین این موضوع موفق بوده‌اند. ما در این مقاله با رویکردی خاص و دقیق‌تر سعی کردیم به موضوع پیشرفت اقتصادی در عصر ظهور بپردازیم.

پیشرفت اقتصادی یا توسعه؟

مفهوم پیشرفت، مدت‌هاست که در سایه مفاهیم توسعه قرار دارد و در کشورهای صنعتی و در حال توسعه مورد تکریم است؛ در حالی که این واژه، مفهومی هنجاری - دستوری است که باید بین این واژه و اصطلاحات توصیفی دیگر نظیر «تغییر» و «توسعه» تمایز قایل شد؛ از این‌رو، سخن از پیشرفت بدون تلاش جدی برای یافتن ارزش‌های عمیق و قابل تحقق انسانی، گفته‌ای فریبنده و بی‌محتوا است.

لذا به جای واژه توسعه، از واژه پیشرفت استفاده شده است، تا به این بهانه به فرق این دو نیز پرداخته شود؛ چنان که حضرت آیت الله خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی - در این خصوص، طی چند نکته بیان فرمود:

نکته‌ی اول، این است که ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود... آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن، این است که کشورهای

جهان را تقسیم کردند به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته. در وهله اول، انسان خیال می کند توسعه یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته ای برخوردار است. توسعه نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می آید؛ یعنی در حال توسعه و توسعه نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت، وقتی می گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی، با همه خصوصیاتش؛ فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت گیری سیاسی اش؛ این توسعه یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است. توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست...؛ لذا ما مجموعه غربی شدن، یا توسعه یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی کنیم. پیشرفتی که ما می خواهیم، چیز دیگری است.

مطلب دوم، این است که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل های پیشرفت، اثر می گذارد... . نکته بعدی هم نکته مهمی است؛ مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی ای دارد که آن مبانی، تعیین کننده است... مبانی معرفتی ما به ما می گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیر عادلانه.

البته یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه یافته غربی کاملاً وجود داشته. روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیات و خصال خوب اروپایی هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است. در هر جامعه ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸).

پیشرفت به معنای علم بیشتر یا تکنیک بهتر نیست، مگر آن که به وسیله هدف های با ارزش

انسانی هدایت و نظارت شوند، و ضروری است که از لحاظ کمی و کیفی دارای ویژگی‌هایی باشد. پیشرفت نمی‌تواند تنها در افزایش کمی شاخص‌ها محدود شود (جمعیت بیشتر یا رفاه بیشتر)؛ بلکه لازم است مطالبی مؤثر و نافذ درباره هدف‌های زندگی بشر مطرح کند.

پیشرفت، بهبود در همه ابعاد است. گسترش و بهبود در یک بعد و پسرفت یا توقف در یک بعد دیگر، با تعریف پیشرفت، سازگاری ندارد. اصولاً مقوله پیشرفت برای انسان، در زندگی بهتر و حرکت در مسیر کمال مطرح می‌شود.

اگر هم گاهی از اصطلاح توسعه استفاده کنیم، باید به این نکته اساسی توجه داشته باشیم که تفاوت ویژه توسعه از دیدگاه اسلام با توسعه غربی، هدف نبودن خود توسعه است. توسعه از نظر اسلام، خود، وسیله و ابزاری برای رسیدن افراد به کمال و قرب الهی و مقدمه زندگی آخرتی است که از درون افراد و بر اساس دستورهای شرع، ریشه می‌گیرد.

خلاصه، پیشرفت مورد نظر و تأیید اسلام، وجوه مشترکی با مفهوم توسعه در مکاتب یادشده دارد؛ ولی این دو از نظر انگیزه و هدف نهایی بر یکدیگر منطبق نیستند؛ زیرا از نظر اسلام، پیشرفت، فرایند جهت‌دار است و هدف غایی آن، رساندن انسان به کمال نهایی و شایسته اوست که در جهان‌بینی اسلامی، کمال نهایی انسان، قُربِ اِلی الله می‌باشد. تامین رفاه مادی انسان در حدّ معقول، در مقایسه با هدف نهایی - یعنی تقرب به خدا - به عنوان هدفی متوسط و به منزله ابزاری برای رسیدن به هدف نهایی است. بنابراین مفهوم پیشرفت از دیدگاه اسلام، وسیع‌تر از آن است که فقط در ابعاد مادی هستی بگنجد.

مفهوم توسعه

این پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته‌تر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله‌ی دیگر است. نباید ما در مسئله‌ی علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفتهایی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله‌روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست.

از دهه چهل میلادی به این سو، «توسعه» به صورت اصطلاحی در اقتصاد رواج یافته است. در آغاز، توسعه را مترادف «رشد تولید ناخالص داخلی» می‌دانستند (زاکس، ۱۳۷۷: ص ۲۲)؛ اما با گذشت یک دهه، تجربه کشورهای که برای تحقق توسعه، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند، نشان داد که توسعه تنها پدیده‌ای اقتصادی نیست؛ بلکه حالتی است که ابعاد دیگر نیز دارد؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، و مانند آن‌ها.

با گذشت زمان، مفهوم توسعه دارای ابعاد گوناگون و گسترده دیگری نیز شد؛ به گونه‌ای که امروزه شامل توسعه محیط و توسعه‌ی انسانی نیز می‌شود.

«توسعه» به فراگردی گفته می‌شود که در آن، جامعه از وضعی نامطلوب به وضعی مطلوب متحوّل می‌شود. در فرایند توسعه، استعدادها و سازماندهی جامعه از هر جهت - چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - بارور و شکوفا می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ص ۱۹).

و اما افزایش ثروت اقتصادی برای خوب زیستن ساکنان سرزمین را «توسعه اقتصادی» می‌نامند. خوب زیستن ایجاب می‌کند شخص بتواند خوب کار کند، خوب مصرف کند، از تحصیلات کافی برخوردار شود، بداند که در زندگی چه انتخاب‌هایی دارد، با سلامتی زندگی کند و در زمینه‌های مختلف از امنیت برخوردار باشد (خلعتبری، ۱۳۸۵: ص ۶۳۶). از این تعریف نیز فرق دیدگاه اسلام در تعریف توسعه و نیز جایگزینی واژه پیشرفت معلوم می‌شود.

امروزه، اقتصاد در نظام‌های مختلف جهانی، گرفتار نوعی رکود و کاستی جدی در چهار عامل تولید، درآمد، اشتغال و تجارت شده که حاصل نقص در سیستم مدیریتی و سیاست‌های استعماری، ظالمانه یا انحصاری حاکمان و حکومت‌ها است. بی تردید، کاستی‌های بهره‌وری از منابع و ابزار را نیز باید بدان افزود.

معنای اقتصاد و اقتصاد اسلامی

در تعریف اقتصاد گفته‌اند: «اقتصاد» از کلمه قصد به معنای میانه‌روی است. و «علم اقتصاد» یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است که در باب کیفیتِ فعالیت‌های مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یک‌دیگر و اصول و قوانینی مطالعه می‌کند که بر امور مذکور حاکم است. چون میان اقتصاد اسلامی و اعتدال، ارتباط وجود دارد، موجب این شده است تا عنوان اقتصاد برای آن به کار گرفته شود (جبران مسعود، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۲۷).
در عصر ائمه علیهم‌السلام به جای اقتصاد، تقدیر در معیشت برای مسایل مالی به کار می‌رفت؛ چنان که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

اصلاح امور مردم جز به وسیله سه چیز تحقق نمی‌یابد؛ تفقه در دین، صبر و تحمل مشکلات، و حسن تقدیر در معیشت (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۲، ص ۴۱).

همان‌گونه که در حوزه سیاست و فرهنگ، دو مبنای دین و سکولاریسم معنا دارد، در حوزه اقتصاد هم این تقسیم‌بندی جاری است، و اقتصاد هم به دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. الگوهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری، دو گرایش اقتصاد مادی به شمار می‌آیند. اگر اقتصاد بتواند معطوف به تعالی انسان باشد، بین فعالیت‌های اقتصادی و تعالی معنوی و تقرب انسان، ارتباط حقیقی برقرار شده، تلاش‌های اقتصادی در جهت قرب قرار می‌گیرد.

جهاد اقتصادی

نظر به این که رهبر معظم انقلاب سال ۱۳۹۰ را «سال جهاد اقتصادی» نامگذاری فرمود، لازم است توضیح مختصری نیز در این باره بیان شود.

جهاد، یعنی قدرت خود را به کار انداختن، متحمل مشقت شدن، تلاش توأم با رنج. جنگ را از آن جهت جهاد می‌گویند که تلاش و کوشش توأم با رنج است (قرشی، ۱۳۵۲: ج ۲، ص ۷۷).

وقتی جهاد با کلمه «فی سبیل الله» همراه باشد، مفهوم ویژه‌ای دارد و هرگونه فعالیت و مبارزه سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، با جان و مال و زبان و قلم و فکر با

محوریت خدا را شامل می‌شود.

البته باید توجه داشت که جهاد علاوه بر نبردهای دفاعی و گاه تهاجمی، مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد؛ لذا هر ملتی که در این عرصه‌ها جهاد و تلاش پی‌گیر داشته باشد، به مجد و عظمت دست خواهد یافت، و گرنه به خواری و ذلت دچار می‌شود؛ چنان که در روایات می‌خوانیم که جهاد در راه خدا که بر پایه حق و جلوگیری از تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی و ارزش‌های انسانی استوار است، پشتوانه‌ای قوی برای عزت و سربلندی و نیل به امنیت و آرامش و استقلال یک کشور به شمار می‌رود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

جهاد کنید، تا مجد و عظمت را برای فرزندانان بر جای گذارید (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۱، ص ۹).

نیز آن حضرت در بیان اهمیت جهاد می‌فرماید:

آن کس که جهاد را ترک گوید، خداوند بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر و احتیاج بر زندگی و تاریکی بر دین او سایه خواهد انداخت (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۱، ص ۵).

کلمه جهاد، همیشه برخورد با مانع و رفع مانع را مورد توجه دارد. این در معنای جهاد، حالت تأکید و تصریح دارد. در همین راستا یکی از استراتژی‌های جهاد اقتصادی، این است که باید جهاد عظیمی در شناسایی موانع اقتصادی صورت گیرد؛ موارد و موانعی که دست و پا گیر است.

نکته دیگر این است که گره زدن «جهاد» به مفهوم «اقتصاد» و ترکیب این مفهوم مقدس با فعالیت اقتصادی، به معنای نوعی تلاش سخت‌کوشانه در مسیر بهسازی اقتصادی مبتنی بر انگیزه‌های الهی است.

اگر اقتصاد بتواند معطوف به تعالی انسان باشد، بین فعالیت‌های اقتصادی و تعالی معنوی و تقرب انسان، ارتباط حقیقی برقرار شده و تلاش‌های اقتصادی در جهت قُرب قرار می‌گیرد. این جهاد به این معنا نیست که تلاش‌ها برای توسعه لذت‌ها و بهجت‌های مادی در ذیل همان مدیریت اقتصادی متعارف (اقتصاد سرمایه‌داری یا اقتصاد سوسیالیستی) را تغییر نام

دهیم و با تأکید بر نیت صحیح، همان رفتارها را امضا کنیم؛ بلکه برای تأمین تعالی انسان باید ماهیت و سازوکار رفتار اقتصادی هم، شکل و شمایل دیگری بیابد که بتوان آن را در زمره جهاد فی سبیل الله قرار داد.

اول. امدادهای الهی و شکوفایی اقتصادی در عصر ظهور

بی‌تردید، یکی از عوامل مهم و کارساز در شکوفایی و پیشرفت اقتصاد در عصر ظهور، امدادهای الهی است که در حقیقت نتیجه و ثمره پرهیزگاری، عدالت محوری، رعایت احکام و اجرای اوامر خدای متعال به وسیله رهبر و امام آن عصر و نیز بیشتر پیروان آن حضرت می‌باشد.

این، وعده الهی است که رعایت این امور، نزولات و برکات آسمانی را در پی خواهد داشت، و موجب رونق چشم‌گیر کشاورزی و رشد محصولات زراعتی خواهد شد. در آیه ۹۶ از سوره اعراف می‌خوانیم:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾.

و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم؛ ولی [آن‌ها حقایق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در این رابطه فرموده است:

بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ (آمدی تمیمی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۹۱).

با عدالت برکت‌ها فزونی می‌یابد.

در اینکه منظور از برکات زمین و آسمان چیست، در میان مفسران، گفت‌وگو است؛ بعضی آن را به نزول باران و رویدن گیاهان تفسیر کرده‌اند، و بعضی به اجابت دعا و حل مشکلات زندگی؛ ولی این احتمال نیز وجود دارد که منظور از برکات آسمانی، برکات معنوی، و منظور از برکات زمینی برکات مادی باشد.

با توجه به آیات گذشته، تفسیر اول، از همه مناسب‌تر است؛ زیرا در آن آیات که مجازات-

های شدید مجرمان و طغیان‌گران را شرح می‌داد، گاهی اشاره به فرود آمدن سیلاب از آسمان، و طغیان چشمه‌ها از زمین (همانند طوفان نوح) و گاهی اشاره به صاعقه‌ها و صیحه‌های آسمانی، و گاهی زلزله‌های وحشتناک زمینی شده بود.

در آیه مورد بحث، این حقیقت مطرح است که این مجازات‌ها واکنش اعمال خود آن‌ها بود؛ وگرنه اگر انسان پاک و با ایمان باشد، به جای اینکه عذاب از آسمان و زمین فرا رسد، برکات خدا از آسمان و زمین بر او می‌بارد. این انسان است که برکات را تبدیل به بلاها می‌کند.

قابل توجه، اینکه ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته، در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود؛ برای مثال، امروز ملاحظه می‌کنیم که بخش بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر مسابقه تسلیحاتی و ساختن سلاح‌های نابود کننده صرف می‌شود. این‌ها مواهبی فاقد هر گونه برکت هستند و به‌زودی از میان می‌روند و نه تنها نتیجه‌ای نخواهند داشت، ویرانی هم به بار می‌آورند؛ ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آن‌ها در می‌آید، و طبعاً آثار آن، باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۶، ص ۲۶۶).

در عصر رهایی، مردم از گمراهی دست برداشته، و هدایت می‌یابند و این، دلیل بر جهانی شدن اسلام راستین و گرایش و ایمان مردم به حکومت جهانی حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام می‌باشد.

در آن عصر فرخنده برخلاف این عصر تلخی و ناکامی، همه مردم جهان به دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آیین اسلام ایمان می‌آورند و بر اساس اعتقاد به خدا تقوا را پیشه می‌کنند.

بدیهی است دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جز پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم چیز دیگری نیست و اجر رسالت آن بزرگوار، جز مودت ذوی القربی نمی‌باشد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳)

بگو بر رسالت خود پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر مودت ذوی القربی را. در عصر رهایی بر اثر تکامل عقلی مردمان جهان، گفتار رسول خدا ﷺ را می‌پذیرند و مودت خاندان وحی ﷺ را دارا می‌شوند. مقصود از مودت اهل بیت ﷺ، محبتی است که باعث تقرب انسان به آنان شود.

بنابر این، ایمان و تقوای عمومی جامعه که با گرایش به خاندان وحی ﷺ و دارا شدن مودت آنان جلوه‌گر می‌شود، راز گشوده‌شدن درهای آسمانی و نزول برکات الهی است. پس اگر از اول بعثت مردمان گفتار پیامبر ﷺ را می‌پذیرفتند و دست از مقام ولایت خاندان وحی برنمی‌داشتند، تیرگی‌ها و تاریکی‌هایی که جهان را به ظلمت و تباهی کشیده است، پیش نمی‌آمد و خداوند کریم از عطای نعمت‌ها و برکات آسمانی دریغ نمی‌ورزید.

در خصوص امدادهای الهی در عصر ظهور، به دو موضوع در روایات تصریح شده است:

نخست. نزول باران و برکات الهی

از جمله امدادهای الهی که در عصر طلایی ظهور حضرت حجت ﷺ و دوران حکومت مهدوی صورت می‌پذیرد، نزول باران‌های مفید و ثمربخش است. نظر به اینکه یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی و اصلی حیات و زندگی، آب است که عامل مهمی برای پیشرفت اقتصادی - به‌ویژه کشاورزی - می‌باشد. این ویژگی عصر امام زمان ﷺ از اهمیت بسیاری برخوردار است.

حاکم نیشابوری در مستدرک، حدیث مشروعی از ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

يُنزَلُ بِأَمْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ، لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَحَتَّى يُمَلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِتْرَتِي، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْخُرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ، وَ لَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
مدراراً (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۴۶۵).

در آخر زمان، بلای شدیدی بر امت من از سوی سلطان آنها وارد می‌شود؛ بلایی که شدیدتر از آن شنیده نشده است؛ تا آنجا که زمین وسیع و گسترده بر آنها تنگ می‌شود، و تا آنجا که زمین پر از جور و ظلم می‌گردد، و مؤمن پناهگاهی برای پناه جستن به آن از ظلم نمی‌یابد. در این هنگام، خداوند متعال مردی از عترتم را مبعوث می‌کند که زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده بود. ساکنان آسمان [فرشتگان] از او خشنود می‌شوند، و همچنین ساکنان زمین. زمین تمام بذره‌های خود را بیرون می‌فرستد و بارور می‌شود، و آسمان تمام دانه‌های باران را بر آنها فرو می‌بارد [و همه جا را سیراب و پر برکت می‌کند].

حاکم بعد از ذکر حدیث می‌گوید: این حدیث، صحیح است هر چند «بخاری» و «مسلم» آن را در کتاب خود نیاورده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنْ قُدَّامَ الْقَائِمِ لَسَنَةٌ غَيْدَاقَةٌ يَفْسُدُ فِيهَا الثَّمَرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ (إربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۴۶۲؛ طوسی، ۱۳۸۶: ص ۷۶۲).
در آستانه قیام قائم سالی پر باران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می‌پوسد. پس در این تردیدی به خود راه ندهید.

نیز آن حضرت فرموده است:

وَ إِذَا آن قِيَامُهُ مُطِرَ النَّاسُ جُمَادَى الْآخِرَةَ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ... (إربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۴۶۳).
وقتی که زمان قیام قائم نزدیک شود، بر مردم باران فرو خواهد ریخت، در ماه جمادی‌الثانی و ده روز رجب؛ بارانی که مانندش دیده نشده است.

نزول باران و برکات الهی در آن عصر، آن چنان پی در پی و به اندازه بر زمین نیازمند می‌بارد که بیشترین سر سبزی را در روی زمین ایجاد می‌کند؛ لذا روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خداوند، باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد، و از زمین چیزی از گیاه نماند، مگر این که سبز شود (إربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۳۸۲).

دوم. برکات استثنایی زمین

در عصر ظهور بر اثر ایمان و تقوا، برکات الهی از زمین و آسمان بر آنان وارد می‌شود؛ به گونه‌ای که از هر درخت، هر نوع میوه‌ای که خدا اراده کند چیده می‌شود. همچنین میوه‌ها - بر اثر یکسان شدن هوا در همه فصل‌ها - مخصوص یک فصل نیست؛ میوه تابستان در زمستان هم بر درختان وجود دارد و میوه زمستان در تابستان نیز بر درختان هست.

مسأله برکت، حقیقت بزرگی است که جهان در عصر ظهور بر اثر وجود آن، چهره‌ای دیگر به خود خواهد گرفت، و بر اثر وجود برکت و نازل شدن آن بر مردمان عصر ظهور، گرفتاری‌های دوران تاریک غیبت برطرف می‌شود، و گشایش و فراوانی، سراسر گیتی را فرا می‌گیرد. به این گونه، جهان چهره‌ای دیگر از خود نشان می‌دهد، و در آن عصر گشایش و شکوفایی، شکوفه‌های قدرت و توان‌گری سراسر زمین را پر می‌کند و نشانی از فقر و تنگدستی باقی نخواهد ماند.

در آن عصر همایون، ضعف، ناتوانی و شکستگی، شکست خواهند خورد و قدرت، توانایی و خجستگی، جایگزین آن‌ها خواهند شد. برکت توسط فرشتگان الهی به وجود می‌آید. از نظر دید مادی، مثلاً گندم فقط به وسیله بذر و آب و خاک به وجود می‌آید؛ ولی از دیدگاه کسی که با امور غیر محسوس آشنایی دارد، ایجاد اشیا منحصر به وسایل عادی و طبیعی نیست؛ بلکه از راه‌های غیر طبیعی نیز محصول طبیعی ایجاد می‌شود.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود:

تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ، وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارَ وَ تَضَاعِفُ الْأَرْضَ أَكْلَهَا (مقدسی شافعی، ۱۳۸۶: ص ۲۰۰).

آب‌ها در دولت او [حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام] فراوان می‌شود، و زمین، برکات خویش را چند برابر می‌کند.

برنامه‌های اقتصادی حکومت مهدوی در عصر ظهور

هنگامی که آدمی در مسیر رشد عقلانی خود به ضرورت برنامه‌ریزی در زندگی خویش پی بُرد، آن را در نظام‌های اجتماعی به عنوان ابزاری در خدمت مدیریت و رهبری، مورد توجه

قرار داد. امروز می‌بینیم که ساختار وجودی سازمان‌ها پیچیده شده‌اند که بدون برنامه-ریزی‌های دقیق نمی‌توانند به حیات خود تداوم بخشند. برای دست یافتن به هدف مورد نظر، باید پیش از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه‌ریزی کافی صورت گیرد.

از این‌رو، نقش برنامه‌ریزی صحیح و تأثیر آن در رونق و پیشرفت امور جامعه بسیار مهم است؛ و پیداست که برنامه‌ریزی اقتصادی نیز از ضروری‌ترین کارها برای دستیابی به پیشرفت است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لا فقرَ معَ حُسنِ تدبیر (آمدی تمیمی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۷۰).
با تدبیر و برنامه‌ریزی خوب، دیگر فقری نخواهد ماند.

آنچه از روایات به دست می‌آید، بیان‌گر این حقیقت است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام علاوه بر امدادهای الهی، برنامه‌های مهم، ضروری، گسترده و بر مبنای عدالت اسلامی به بهترین وجه، اجرایی می‌شود و مردم شاهد پیشرفت چشم‌گیری در ابعاد مختلف - به‌ویژه در بعد اقتصادی - خواهند بود.

ما در این‌جا، با توجه به احادیث اهل بیت علیهم السلام، به برنامه‌های اقتصادی حضرت حجت علیه السلام که باعث رونق و رفاه عمومی می‌شود می‌پردازیم:

پیشرفت علم و دانش

مسلم است که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی، نقش بسزایی در تکامل و پیشرفت انسان و جامعه انسانی دارد، و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل را رفع می‌کند. در عصر انقلاب جهانی مهدی موعود علیه السلام یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه‌هاست.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین می‌خوانیم:

دانش، ۲۷ حرف [شعبه و شاخه] است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند

و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را به آن پیوند می‌دهد. تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۶).

این پیشرفت علمی، نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی، اقتصادی و غیر این‌ها نیز پدید خواهد آمد. در آن عصر طلایی، رهبر آن حکومت، که امام زمان علیه السلام است بر تمام علوم اشراف کامل دارد، و دانش او با دانش هیچ دانشمندی قابل قیاس نیست، و همه را از چشمه - سار علم خود بهره‌مند می‌کند.

لذا، آن بزرگوار همچون جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام ندا سر می‌دهد که:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۲۷۲).

قبل از آنکه از میان شما بروم، هر گونه سؤالی دارید از من بپرسید؛ چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است.

امام باقر علیه السلام نیز رشد عقلی بندگان خدا را - که با تصرف تکوینی، در عصر ظهور به وقوع می‌پیوندد - مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید:

اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ (کلینی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۲۵؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۶: ج ۶، ص ۳۶۷).
وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و به وسیله آن، عقول ایشان جمع شده، افکارشان با آن تکمیل می‌گردد.

اجرای عدالت اجتماعی اقتصادی

عدالت اقتصادی، به معنای فرآیند تصمیم‌گیری مبتنی بر اسلام است که امور را به سه امر الهی، امور عمومی و امور خصوصی تقسیم می‌کند. عدالت اقتصادی، در زمینه تولید به عدالت در حفظ و گسترش ثروت، یعنی رشد اقتصادی پایدار، در زمینه توزیع به عدالت در توزیع ثروت، و در زمینه مصرف یا رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی خرده‌نظام اقتصادی اسلام است، به آموزه کفایت می‌رسد.

عدالت اقتصادی متضمن نظم فردی و اجتماعی در حوزه اقتصاد است و اصول اخلاقی را

به انسان اعطا می‌کند، تا در سازوکارها و نهادهای اقتصادی تجلی یابند. این سازوکارها و نهادهای تعیین می‌کنند که چگونه شخص در زندگی، کار و کسب انجام دهد، وارد قراردادهای شود، با دیگران کالاها و خدمات را مبادله کند و علاوه بر این، بنیاد مادی مستقلی را برای معیشت اقتصادی‌اش ایجاد کند.

دکترین عدالت اقتصادی مهدوی با چهار شاخص رشد اقتصادی پایدار، کاهش مداوم نابرابری، حذف فقر، و مصرف به حد کفاف، شناسایی شده است (جهانیان، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴).

کاهش مداوم نابرابری به معنای کاهش انواع نابرابری‌های اقتصادی در سطح ملی، نژادی و قومی، خانوادگی و منطقه‌ای و بین‌المللی است. مضمون برخی از روایات، نشان‌دهنده این نکته است که انواع تبعیض‌ها و تجاوزها در جامعه مهدوی مرتفع می‌شود، و عدل در هر جا که جامعه‌ای انسانی وجود داشته باشد، گسترش می‌یابد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

در حکومت قیام‌کننده اهل بیت پیامبر قسط و عدل [به معنای عدم تبعیض در تقسیم بیت المال و رعایت حقوق مردم] به طور کامل اجرا خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۵۱).

در آن عصر طلایی، امکانات به شیوه عادلانه توزیع می‌گردد و از اجحاف و تعدی سودجویان تکاثر طلب جلوگیری می‌شود؛ و در نهایت، مردم نیز از نظر غنای روحی و سطح اخلاق و معرفت و تقوا چنان اوج می‌گیرند که دامنه حرص و آز که سرچشمه تکاثر و بخل و احتکار و تنازع است، برچیده می‌شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین می‌خوانیم:

هنگامی که قائم ما قیام کند ... زمین [با تدبیر امام و تلاش صادقانه مردم] گنج‌ها و ذخایر گران‌بهای خود را آشکار می‌کند؛ آن‌چنان‌که مردم آن‌را با چشم خود می‌بینند [آن‌چنان غنای ظاهری و معنوی مردم را فرا می‌گیرد] که نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که هدیه شما را بپذیرد، یا زکات مال را قبول کند. همه مردم به آنچه خدا از فضلش به آن‌ها روزی داده، مستغنی و بی‌نیاز می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۷).

از دیدگاه اسلام حتی اگر رشد اقتصادی پایدار، کاهش نابرابری، و حذف فقر تحقق یابد، ولی مصرف در نظام اقتصادی متعادل نباشد، عدالت اقتصادی تحقق نیافته است. سرزنش مترفین، مسرفین، و مبذّرین در قرآن کریم و سنت معصومان علیهم السلام گواه صدق این مدعاست؛ زیرا این سرزنش اطلاق دارد و زمانی را شامل می‌شود که رفاه اقتصادی برای همه فراهم باشد (جهانیان، ۱۳۸۳: ص ۱۴).

در جامعه مهدوی، حکمت و عقل عملی بشر بر اثر تقوا به تکامل می‌رسد و مردم به آن روشن‌بینی خاص قرآنی می‌رسند. امام باقر علیه السلام در روایت ابو خالد کابلی می‌فرماید:
هنگامی که قائم ظهور کند، شعاع نورانیت و هدایتش همه بندگان خدا را فرا می‌گیرد، و عقول مردم متمرکز و اخلاقشان به واسطه آن امام بزرگوار، کامل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۶).

رشد معنویت و تربیت جامعه صالح

راهبردهای ارائه شده از جانب اسلام برای پیشرفت، بر این اصل تأکید دارد که برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف توسعه و رسیدن به آبادانی دنیا و آسایش همگانی، باید با توجه به هدف اصلی خلقت - یعنی تقرب به خداوند - انجام شود. گسترش دانش و تأمین بهداشت و امنیت و رفاه جامعه وقتی ارزشمند است که در این چارچوب باشد، نه به قیمت فدا کردن ارزش‌های معنوی و از یاد بردن هدف اصلی یعنی سعادت آخرتی. البته این سخن به معنای بازماندن از دانش و رفاه نیست.

چنین هدفی که در اساس توسط پیامبران راستین خداوند به مردم ابلاغ شده، در اثر فاصله گرفتن مردم از تعالیم ناب و نیز حاکمیت غاصبانه ستم‌گران، به تدریج کمرنگ شده و در برخی نواحی به خاموشی گراییده است. بنابراین حضرت مهدی علیه السلام در گام اول به این مهم اقدام می‌نماید و تربیت انسان‌هایی صالح برای تشکیل نظام جهانی خود را شروع می‌کند. البته طبیعی است که فلسفه انتظار، زمینه چنین اقداماتی را فراهم کرده و کادرهای اولیه برای این کار به وجود آمده‌اند. در جامعه مهدوی، صفات رذیله از جامعه رخت برمی‌بندد و زمینه گناه و جرایم اجتماعی، اقتصادی و... از بین می‌رود.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در عصر حضرت مهدی، خداوند وحدت کلمه پدید می‌آورد و قلوب ناسازگار را با یکدیگر الفت می‌بخشد، و معصیت او در روی زمین، صورت نپذیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۱۲۷).

برقراری امنیت و آرامش عمومی

امنیت و آرامش از نعمت‌های بزرگ الهی، و بستری برای تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی و رشد اقتصادی است. کرامت‌ها و استعداد‌های انسان در جامعه‌ای که امنیت ندارد و مضطرب است، شکوفا و بالنده نخواهد شد؛ لذا در حکومت و جامعه مهدوی که باید الگویی برای همه حکومت‌های اسلامی باشد، امنیت کامل و همه جانبه حاکم است، و کوچک‌ترین ناامنی‌ای به چشم نمی‌خورد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل آدمیان بیرون رود و حتی حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، اگر زنی فاصله میان عراق و شام را طی نماید و با خود طلا و نقره حمل کند، با امنیت از روی سبزه‌ها عبور خواهد کرد و از هیچ موجودی نمی‌هراسد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۱۶).

و امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

وقتی قائم قیام کند، حکومتش را بر اساس عدالت برقرار می‌سازد و ظلم و جور را بر می‌چیند، و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۸).

در عصر ظهور، به قدری امنیت و آرامش عمومی در جامعه حاکم می‌شود که به فرموده حضرت علی علیه السلام در آن زمان حتی حیوانات درنده و چارپایان با یکدیگر در صلح و صفا به سر می‌برند (همو، ص ۳۶۲).

فقر زدایی و رفاه عمومی

در طول تاریخ، شواهد بسیاری وجود دارد که نیازمندی و فقر، باعث دزدی، خون‌ریزی، دلت و خود فروشی و ده‌ها مسایل انحرافی دیگر شده است، و این مسایل تا زمانی که فقر و

احتیاج هست، به موازات آن خواهد بود. یکی از موفقیتهای جامعه مهدوی، این است که موفق به حذف کامل فقر می‌شود؛ زیرا سرمایه‌های مادی، فوق‌العاده زیاد می‌شود و رشد اقتصادی پایدار، پدید می‌آید. در آن دوران امکانات زیادی در اختیار آحاد مردم قرار خواهد گرفت. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد. سر تا سر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد و اموال انبوه می‌شود. هر کس نزد حضرت آید و بگوید: «به من مالی بده»، او بی‌درنگ می‌گوید: «بگیر» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص ۸۸).

در آن عصر، انسان به جای این که از مصرف کالاها و خدمات کمیاب بهره‌مند شود، به بهره‌مندی و کسب رضایت و آرامش خاطر از ناحیه‌ی عمل به احکام اسلام، و تعمیق فضای عدالت مشغول می‌شود و مطلوبیت‌های مربوط را کسب می‌کند.

امام صادق علیه السلام در توصیف جامعه پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام می‌فرماید:

... وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ؛ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۷).
... و کسی از شما به دنبال فردی می‌گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد؛ اما هیچ کس را نمی‌یابد که چنین کند؛ [زیرا] مردم از رهگذر روزی‌هایی که خداوند با فزون‌بخشی خویش به ایشان عطا فرموده، بی‌نیاز شده‌اند.

استخراج منابع زیر زمینی و منابع ملی

از منابع بسیار مهم ثروت ملی هر کشور، منابع زیرزمینی و گنج‌ها و معادن آن کشور است. این منابع در حقیقت، ثروت‌هایی خدادادی است که انسان‌ها باید آن‌ها را صحیح و عادلانه اکتشاف و استخراج کنند.

در این زمینه روایات متعددی وجود دارد که نویدبخش یک جامعه فعال هستند و بیان‌گر این نکته‌اند که استخراج منابع زیرزمینی - که عامل مهم ثروت ملی است - و استفاده صحیح و عادلانه از آن‌ها، از برنامه‌های اصلی آن حضرت می‌باشد.

رسول خدا ﷺ فرموده است:

زمین، گنج‌هایش را برای او [حضرت مهدی ﷺ] خارج سازد، و اموال بی-
شماری بین مردم تقسیم کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص ۶۸).

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

مهدی به کوفه بر می‌گردد و آسمان ملخ‌های طلایی بر آن‌ها می‌بارد؛ همان طور
که خداوند در بنی اسرائیل بر ایوب پیامبر نیز فرود آورد و او گنج‌های طلا و
نقره و گوهر زمین را بین یارانش تقسیم می‌کند (دوانی، ۱۳۶۱: ص ۱۱۸۰).

اکتشاف معادن و ذخایر درون ارضی با ابزار کامل و پیشرفته و نیز با اشارات غیبی و ملکوتی
آن حضرت و کارگزاران فهیم و قدرتمندش بروز و ظهور کامل دارند، و بشر آن روز در
راستای رفاه عمومی، از تمام امکانات و ذخایر زمینی به بهترین وجه بهره خواهد برد.

ساماندهی و اخذ مالیات

درآمدهای دولت در هر حکومتی عامل مهمی در پویا شدن تمام شؤون حکومتی است. در
اسلام، زیر بنای اقتصادی محکمی برای حکومت‌ها ترسیم شده که اعتقاد و پای‌بندی به آن
می‌تواند معضل بزرگ کسری بودجه‌های دولتی را مرتفع کند. منابع درآمدی دولت اسلامی
عبارتند از: انفال، زکات، خمس، مالیات و عوارض.

از جمله اقدامات و برنامه‌های اقتصادی حکومت حضرت مهدی علیه السلام که نقش مؤثری در
ایجاد رفاه و آسایش اقتصادی و خشکاندن ریشه‌های فقر و محرومیت در کل جهان دارد، اخذ
مالیات اسلامی و توزیع عادلانه آن، در بین افراد مستمند، علیل و بیمار و مستحق خواهد بود؛
آن‌گونه که در روایات آمده است، مجازات سنگینی در انتظار تارکان پرداخت مالیات اسلامی و
مانعان از پرداخت زکات خواهد بود. در روایتی می‌خوانیم:

خون دو کس در اسلام هدر است؛ ولی این حکم را کسی اجرا نمی‌کند، تا قائم
قیام کند؛ یکی خون مرد زنده‌دار زناکار است که آن حضرت او را سنگسار می-
کند؛ و دیگر، خون کسی است که از پرداخت زکات خودداری می‌کند؛ مهدی
گردن او را خواهد زد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ص ۱۴۰).

این برخورد سخت، با کسی که زکات نمی‌پردازد به آن سبب است که عدم پرداخت زکات،

موجب اخلال در چرخه اقتصاد حکومت الهی است و این، با فلسفه حکومت مترقی آن امام در تضاد آشکار است.

در عصر ظهور، مالیات اسلامی به صورت دقیق، جمع‌آوری و کاملاً عادلانه توزیع و تقسیم می‌شود و نظام طبقاتی حاکم قبل از ظهور، نابود گردیده، جامعه‌ای مبتنی بر معیارهای اسلامی و انسانی، به وجود خواهد آمد؛ جامعه‌ای که در آن، با نفی تبعیض و بی‌عدالتی، همه از امکانات رفاهی، بهره‌مند خواهند شد.

استرداد ثروت‌های غصبی

یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت نامشروع در نزد گروهی خاص است. در عصر حکومت مهدوی اجازه داده نمی‌شود که از منابع و ثروت‌های ملی و نیز سرمایه‌های خصوصی انسان‌ها سوء استفاده شود؛ بلکه با خائنان و غاصبان نیز به شدت رفتار خواهد شد. طبق روایات، هر چه که تصرف ظالمانه و غصب کرده باشند را به جایگاه حقیقی خود مسترد می‌نماید (عسکری، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۲۷۹).

در آن دوران، اقتصاد سالم و رفع کاستی‌ها و ناراستی‌ها از آن، در سایه اقدامات چندی صورت می‌گیرد؛ از جمله آن‌ها، برخورد جدی با مفسدان اقتصادی است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع (حمیری، ۱۴۱۳ق: ص ۸۰).

هنگامی که قائم ما قیام کند، قطائع از بین می‌رود؛ به طوری که دیگر قطایعی نخواهد بود.

قطایع، زمین‌هایی از اراضی خراجی است که از راه امتیاز، به نزدیکان حکام و سلاطین، داده می‌شود و این گونه بذل و بخشش‌های خودسرانه، موجب تشکیل طبقه ممتاز در جامعه می‌شود.

و امام باقر علیه السلام فرمود:

اذا ظهر القائم و دخل الكوفه... و یرد السواد إلى أهله (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲،

ص ۳۹۰).

چون قائم قیام کند و وارد کوفه شود... زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش باز می‌گرداند.

پس دولت مهدوی در راستای استفاده صحیح از موهبت‌های الهی و عمران و آبادانی شهرها و کشورها، بی‌نیازی و استغنای مردم، کمک به بدهکاران و فقیران، توزیع عادلانه امکانات و بیت‌المال، ایجاد اقتصاد سالم، رونق کشاورزی و دامپروری و... تلاش ویژه‌ای انجام می‌دهد. آری؛ حضرت حجت علیه السلام با قاطعیت و نظارت دقیق، جریان اقتصادی جامعه بشری را سر و سامان می‌دهد، تمام ثروت‌ها و ذخایر زیرزمینی و روزمینی که در اختیارش قرار می‌گیرد، به صورت عادلانه، تقسیم و توزیع نموده، از فعالیت‌های خودسرانه و آزمندانه زراندوزان دنیاطلب جلوگیری می‌کند، و از چپاول ثروت‌های مردمی و مکیدن خون انسان‌های مظلوم و مستضعف، توسط افراد زالوصفت و فرصت‌طلب، جلوگیری نموده، عوامل اصلی فقر، محرومیت و کمبود را از میان بر می‌دارد.

توزیع عادلانه‌ی منابع و درآمدها

یکی از کارکردهای اساسی دولت امام مهدی علیه السلام تقسیم مساوی منابع و درآمدها و ایجاد عدالت اقتصادی و قسط است؛ «يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۵۷). واژه قسط، بیشتر در امر اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود:

وَ اِذَا قَامَ مَهْدِيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَ عَدَلَ بِالرَّعِيَةِ (مقدسی شافعی، ۱۳۶۸: ص ۴۰).

چون مهدی ما اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌نماید.

حضرت از بخشش‌های الهی و نعمت‌های مادی به طور مساوی استفاده خواهد کرد، و بیت‌المال برای همگان به طور یکسان مصرف خواهد شد:

اِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَاِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ الْبِرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۲۹).

زمانی که قائم قیام کند، [اموال را] به طور مساوی تقسیم می‌کند و میان همه

مردم چه نیکوکار و چه بدکار به عدالت رفتار می‌نمایند.

در این روایت و برخی دیگر، عدالت در کنار مساوات آمده است؛ چرا که بیت المال که حق عمومی مسلمین است، باید به شکل مساوی در میان آنان تقسیم شود. ویژگی‌های شخصی و اجتماعی و حتی سابقه مبارزاتی و مدیریتی هرگز سبب نخواهد شد که سهم بیشتری از بیت المال نصیب کسی شود.

پیامبر ﷺ فرمود:

«به مهدی بشارتتان می‌دهم. او به هنگام اختلاف مردمان، از میان امت من ظهور خواهد کرد و ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود خواهند شد. او مال را درست‌درست تقسیم می‌کند». مردی پرسید: «درست‌درست چیست؟» فرمود: «میان همه به صورت مساوی» (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص ۸۸).

در حدیث دیگری چنین می‌خوانیم:

مهدی میان مردم، در تقسیم اموال، به مساوات رفتار می‌کند؛ به طوری که دیگر نیازمند و محتاجی یافت نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۹۰). نکته قابل توجه دیگر، این است که در آن دوران طلایی، امتیازات ویژه بی ضابطه و رانت-خواری برچیده خواهد شد. طبیعی است که حکومت و قدرتی که انصاف و عدالت نداشته باشد، افراد نزدیک به خود یا باند و جناح مربوط به خود را صالح می‌پندارد، و در صورت وجود امتیازات ویژه، بیشتر آن را در میان افراد خود تقسیم می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي آيِدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقِيلُ بِهِمُ الْعَدْلَ (طوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۶، ص ۱۵۴).

زمانی که [حضرت مهدی علیه السلام] قیام کند، آنچه را که در عصر جاهلیت و آرامش و تن آسایی در اختیار مردم بود، باطل می‌کند و با مردم به عدل رفتار می‌نماید.

رونق بخشیدن به کشاورزی

زراعت و کشاورزی از منابع مهم ثروت ملی و از موارد اساسی پاسخ‌گویی به نیازهای مادی

جامعه و از وسایل تأمین مواد غذایی در جهان انسان و حیوان است. خداوند، آب و خاک را در اختیار انسان قرار داده است تا از امکانات و برکات زمین بهره گیرد؛ اما با این وجود، انسان-های زیادی هستند که از گرسنگی رنج می‌برند.

یکی از بخش‌هایی که در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دگرگونی شایان توجه می‌یابد، بخش کشاورزی و دامداری است. پیش از ظهور حضرت، مردم دچار کمبود باران و خشک‌سالی می‌شوند. اما در حکومت مهدوی دگرگونی شگفت‌انگیزی رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که گویی محصول ده‌ها سال را در یک روز گرد می‌آورند.

بنا بر روایات متعددی که در متون دینی ما وجود دارد، سبزه‌ها و درختان همه جا را می‌پوشاند، میوه‌ها فراوان می‌شود و محصولات کشاورزی رونق بسیاری می‌یابند. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به عصر ظهور می‌خوانیم:

انسان در عصر حاکمیت جهانی حضرت مهدی، هرآنچه از انواع دانه‌های زراعی بر زمین بیفشاند، هفتصدبرابر، برداشت می‌کند؛ همان‌گونه که خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند، به مانند دانه‌ای است که از یک دانه، هفت خوشه برآید و در هر خوشه-ای صد دانه باشد، و خداوند برای هرکس که بخواهد، می‌افزاید» (مقدّسی شافعی، ۱۳۶۸: ص ۲۱۱).

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

تُعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا، وَ الْاَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ تَنْزِيْنُ بِأَهْلِهَا (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۸۳).

در روزگار حکومت مهدی علیه السلام آسمان، بارانش را، درخت میوه‌اش را، و زمین گیاهش را نثار می‌کند، و برای اهل زمین خود را می‌آراید.

در روایت دیگری نیز فرمود:

تَخْرُجُ الْاَرْضُ نَبَاتَهَا وَ يَعْطَى الْمَالَ صِحَاحاً (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص ۸۱).

زمین همه نباتات خود را می‌رویاند، و مال را بین مردم به‌درستی تقسیم می‌کند.

و همو فرمود:

خداوند از آسمان باران فراوان می‌فرستد، و زمین هیچ رویدنی را در دل خود

نگه نمی‌دارد، مگر آنکه بیرون می‌ریزد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۱، ص ۸۱).

یکی از اقدامات دیگر حضرت، دستور به حفر آبراه‌ها و نهرها است؛ برای نمونه، امام باقر علیه السلام فرموده است:

[آن حضرت] دستور می‌دهد که از پشت حرم امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند تا کربلا را به نجف متصل نماید. آن‌گاه پل‌هایی روی آن و آسیاب‌هایی در کنار آن نهر می‌سازند. گویی با چشم خود می‌بینم که پیرمردان گندم‌ها را روی سر خود حمل کرده، در این آسیاب‌ها به طور مجانی آرد می‌نمایند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۱).

عمران و آباد کردن زمین

عمران و آبادانی زمین به عنوان اصل اساسی در سیستم اقتصادی حکومت حضرت مهدی علیه السلام و یکی از کارکردهای دولت آن حضرت است. امکانات صنعتی، تخصص‌های مربوطه، منابع آب و زمین‌های مستعد، به شکل کامل و همه‌جانبه به کار گرفته می‌شود، و بنا بر آموزه‌های روایی حتی یک وجب از زمین قابل کشت، و تمام قابلیت‌های بالقوه ارضی، به بروز فعلی می‌رسد. باران می‌بارد و زمین بذرش را خارج می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در زمان پسر مهدی، آسمان به طور کامل بر امت او می‌بارد، و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص ۷۸).

دستور و برنامه‌های امام نیز در حدیثی از امام صادق علیه السلام این‌گونه توصیف شده است: «يَأْمُرُهُمْ بِعِمْرَانِ الْمَثْنِ»؛ [به کارگزاران خود در تمامی بلاد] دستور می‌دهد که شهرها را آباد سازند (سلیمان، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۶۵).

در دعای شریف عهد آمده است:

«وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ»؛ پروردگارا! شهرهای خود را به وسیله‌ی او آباد کن.

و نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمَرَ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۱۹۱).
و روی زمین نقطه‌ی ویرانی نمی‌ماند، جز اینکه آباد می‌شود.

همو فرمود:

در آن زمان خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۳۱).

از روایات، این نکته هم قابل توجه است که در عصر ظهور، آن امام، مشکل بزرگ مسکن را نیز با آبادانی گسترده‌ای که انجام می‌دهد، حل خواهد کرد؛ و زمین‌های خشک و سوزان و بیابان‌های بی آب و علف احیا و آباد می‌شود، و به صورت خانه‌های زیبا و باغ‌های باشکوه در می‌آورند که یک نمونه آن، گسترش شایسته خانه‌های کوفه تا نهر کربلا می‌باشد؛ آن هم با آن مسافت بسیاری که میان آن دو شهر است.

بهداشت و درمان

نظر به اینکه زیربنای اصلاح در هر جامعه‌ای، سالم سازی بهداشتی آن جامعه در ابعاد فردی و عمومی است، در حکومت مهدوی به این مهم توجه جدی مبذول می‌شود، و این سیاست اصولی بهداشت در درجه اول، برگرفته از مبنای اساسی اسلامی است که بر مسأله نظافت و پاکیزگی و بهداشت و درمان تأکید بسیار دارد و بر امور پزشکی، درمانی، پیش‌گیری‌های لازم، در خوراک و خواب، رعایت دقیق نظافت و بهداشت، رسیدگی به بیماران و مانند آن توجه خاصی کرده است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام القائم، أذهب الله عن كل مؤمن العاهة و ردّ إليه قوته (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۲۳۱).

زمانی که قائم قیام کند، خداوند، بیماری را از هر مؤمنی می‌برد و نیرویش را به او برمی‌گرداند.

حفظ محیط زیست

در روزگار ما که ویران‌گری در طبیعت و تخریب محیط زیست، سلامت کره زمین را به خطر انداخته، فرهیختگان و انسان‌های دلسوز آرزومندند که زمانی شاهد زمینی خرم، پاک و به دور از آلودگی‌ها باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده می‌فرماید:

تعمیر الارض و تصفوا و تزهوا بمهدیها (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۶۰).

در روزگار قیام مهدی علیه السلام زمین آباد و پاک می‌شود و به او می‌بالد.

آیات و روایات، ضمن توجه دادن به مظاهر طبیعی و احترام آنان، بشر را تشویق به حفاظت از منابع موجود در طبیعت و استفاده صحیح از آنها کرده و هر گونه بهره برداری ناروا، اعم از اسراف و اتلاف و تضييع حقوق دیگران - اعم از نسل‌های فعلی و بعدی - را نهی کرده است. در زمان حضرت، مردم از نظر معنوی رشد می‌کنند و گرد معصیت خداوند نمی‌گردند؛ بنابراین در استفاده از منابع زیاده‌روی نخواهند کرد. همچنین اتلاف این ثروت‌ها نیز توسط آنان صورت نمی‌گیرد. آلوده‌سازی محیط، تضييع حق دیگران بوده، حرام شمرده می‌شود.

اجرای همه جانبه عدالت و از جمله عدالت بین نسلی اقتضا می‌کند که در استفاده از منابع - خصوصاً منابع پایان پذیر - مصالح نسل‌های بعد نیز در نظر گرفته شود و در مصرف منابع زیاده‌روی نشود. همچنین آلوده‌سازی محیط و تحمیل هزینه‌های اجتماعی بر دیگران، با عدالت سازگار نیست و در آن زمان رخ نخواهد داد.

منابع تجدید شونده - همانند پرندگان و ماهی‌ها - زیاد خواهند شد؛ ضمن اینکه استفاده بی‌رویه از این منابع، صورت نخواهد گرفت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

در زمان ظهور او، زایش پرندگان در لانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها زیاد می‌شود؛ رودها گسترش می‌یابد، چشمه‌ها می‌جوشد و زمین، دو برابر محصول می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ص ۳۵۴).

گسترش علم و دانش، موجب می‌شود راه‌های استفاده بهینه از منابع زیست محیطی شناخته

شود و فرایندهای تولیدی تخریب کننده محیط زیست کنار گذاشته شود. با این اوصاف، محیط زیست در محور دیگرش، یعنی پرهیز از آلوده‌سازی محیط نیز محقق خواهد شد.

نتیجه

از مجموع آیات و روایات در خصوص عصر ظهور، به این باور و استنباط می‌رسیم که با حاکمیت نظام عدالت گستر امام زمان علیه السلام و نزول برکات آسمان و فراوانی برکات زمین و نیز نظارت دقیق بر امور اقتصادی، معضل بزرگ فقر و محرومیت - که مؤثرترین عامل در بروز ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید - از جامعه بشری برچیده خواهد شد. همچنین با ایجاد رفاه و آسایش عمومی، پدیده‌های دزدی، تجاوز، بی‌عفتی، رشوه و اختلاس که مولود نامیمون فقر و تهیدستی، و محصول سیستم‌های غلط مدیریتی و برخی نظام‌های ظالم و سرمایه‌داری است، از بین می‌رود و ترس، نگرانی، اضطراب و ناامنی، جایش را به محیط صلح، صفا صمیمیت و امنیت خواهد داد. اقتصاد جامعه در حد کامل رونق می‌یابد، و تمام ظرفیت‌های اقتصادی دنیا به کار گرفته می‌شود. دولت مهدوی در جهت استفاده صحیح از موهبت‌های الهی و عمران و آبادانی شهرها و کشورها، بی‌نیازی و استغنائی مردم، کمک به بدهکاران و فقیران، توزیع عادلانه امکانات و بیت المال، ایجاد اقتصاد سالم، رونق کشاورزی و دامپروری و... تلاش ویژه‌ای انجام داده، موفقیت‌های بی‌نظیری را به دست خواهد آورد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد، *غُرر الحِکْم*، اول، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۷ق.
۳. احمدی، محمدرضا، *تبیین شاخص‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام (با تأکید بر قرآن کریم)*، پایان‌نامه دکتری، بی‌جا، ۱۳۸۷.
۴. اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح، *کشف الغمّة*، تبریز: مکتب بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۵. جمعی از نویسندگان، به اشراف علی کورانی، *معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام*، اول، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۶. جهانیان، ناصر، *جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدویت، فصلنامه انتظار موعود*، ش ۱۴، زمستان ۱۳۸۳ش.
۷. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۸ق.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة، سوم*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ششم، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.
۱۰. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، اول، بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان*، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
۱۲. خلعتبری، فیروزه، *توسعه اقتصادی ایران*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۵ش.
۱۳. دوانی، علی، *مهدی موعود*، بیستم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ش.
۱۴. زاکس، ولفگانگ، *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، اول، تهران: مرکز نشر، ۱۳۷۷ش.
۱۵. سلیمان، کامل، *روزگار رهایی*، تهران: آفاق، ۱۴۰۵ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، *کمال الدّین*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، *کتاب الغیبه*، اول، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۱۹. عسکری، نجم الدّین جعفر بن محمد، *المهدی الموعود المنتظر*، تهران: مؤسسة الامام المهدي، ۱۳۶۰ش.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، *المحجة البيضاء*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.

۲۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ش.
۲۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۴. مسعود، جبران، الرائد (فرهنگ الفبایی)، دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
۲۵. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، سوم، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چهاردهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.